

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۶ دی ۱۴۰۱

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)

سلام بر حق وعده‌ی راستین پروردگار در دعوت همگان به گرفتن پیمان قالو بلی. پیمانی محکم و استوار و اعترافی دل‌نشین از فرزندان حضرت آدم (س)؛ در اعتراف به توحید و یگانگی پروردگار جان‌هایی که به زبان آمد تا ستایش را بیاموزد. اکنون زمان شاهد آمدن و رفتن همان معترفان به توحید است. می‌آیند، جام جانشان را به شیطان نفس می‌فروشند و قرآن کریم اعلام می‌فرماید اینان پیمان‌شکنانی هستند که جانشان را در غضب الهی از فردوسی که در آن بودند به جهنم سوزان نفس اماره مبتلا کردند و آنچه عایدشان شد افسوسی بود که آتشش خاموش نمی‌شود چون اینان ثروت خویش را به بهایی اندک فروختند تا جانی را در گور زمان دفن کنند که همچون سامری بوی تعفن آن تا قیامت آنان را بیازارد و فریاد برآورند که از ما دور شوید؛ چون حق آن زمان که با قامتی رشید و استوار در برابر باطل ایستاد و آن را چون حبابی ذلیل و زبون نمود و تا قیامت بنیانش را خشک و نابود کرد. پس از آن باطل در هر زمان و مکانی خودنمایی نمود، خیلی زود رسوا و نابود شد و این شامل آن تهی‌مغزان و دد صفتان که به خیال خام خود فکر می‌کردند بزرگ‌ترین مانع در راه رسیدن به قدرتشان را از سر راه برداشتند خیلی زود به اشتباه خود پی برده و عاجزانه اعلام کردند که: صدای فاطمه در جانمان می‌پیچید و ما را لحظه‌ای رها نمی‌کند؛ که ای وای بر احوالتان که چگونه با دین خدا نیرنگ ورزیده‌اید و منتظر محبت دنیا نشسته‌اید تا شما را در آغوش بگیرد و از شیر شیطان بخوراند. علی (ع) در پاسخ می‌گفت: افسوس که گنج زمین و آسمان را به یغما بردید و همگان را از محضرش محروم کردید.

حضرت فاطمه (س) فرمودند: که زندگی من در خانه‌ی امیرمؤمنان در ظاهر دنیا فقط چند سال بود ولی در باطن دنیا آن‌چنان شعله‌ور که حرارتش مردگان از وسوسه‌ی شیطان را به تحسین وا می‌داشت و فرزندان من در آن خانه رشد کردند و به جوانانی برومند تبدیل شدند ولی دشمنان آنان با شیری که از شیطان نوشیده بودند جانشان مسموم قدرت شد و چراغ‌های هدایت را از میانشان برداشتند تا ظلماتشان اجازه‌ی

دیدن چهره‌ی ننگینشان را ندهد. عرصه‌ی خانه را آن‌چنان بر فرزندان من تنگ کردند که از خانه‌ی وحی جدا شدند و خاطره‌ی مرا در قلبشان جاودانه کردند. پسر حسین (ع) بعد از نمازش می‌فرمود: مادر حرارت عشقت کفر و نفاق را می‌سوزاند و باطل را رسوا می‌کند. چراغ‌های باطل را به ظلمات خودشان رسوا می‌کند. پس به فرزندان مددی کن که همواره منادی حق باشند مانند خورشید وجود خودت. بله باید گفت و فریاد زد لعنت الله علی قوم الظالمین و غاصبین

مدینه در این شب‌ها در سکوتی حزن‌انگیز فرو رفته است. نفس پاک فاطمه (س) دیگر در نخلستان‌های شهر و کوچه‌های تبار مدینه چون خنکای نسیم بهشتی جاری نخواهد شد. چراغ دل امیر مؤمنان (ع) که خانه‌ی وحی را روشن نگاه داشته بود برای همیشه خاموش گشت. چون بی‌بی دو عالم که همچون ماه شب چهارده به دل‌های مؤمنین می‌تابید با شهادت مظلومانه و دفن غریبانه‌شان نه فقط دل‌های مؤمنین که دل خلائق هفت آسمان و زمین در نبودنشان تیره گشت.

حضرت زهرا (س) به زمان محدود نمی‌شود. او کوثری است که هرگز چشمه‌ی علمش تهی نمی‌گردد پس شهیده‌ای ناظر بر عمل‌هاست. او شما را در آتشی که گذشتگان بر در خانه‌ی وحی انباشته نمودند و اینک آن آتش بر حقیقت رسالت زده می‌شود می‌بیند. پس تیغ زمان بُرنده‌تر از گذشته گلوی حق را می‌برد. گوش‌ها می‌شنود و ساعتی بعد در خاموشی جانی فرو می‌رود که سردی مرگ در آن حس می‌شود. چاره‌ی این همه غفلت چیست؟ چگونه می‌توان برای مجلسی که در آن حزن و اندوه پیامبر (ص) حس می‌شود عزاداری کرد؟ با کدام اشعار وصف این حزن امکان‌پذیر است؟ دینی که در دنیای مردمان به فراموشی سپرده شده و امروز عزیزترین هدیه‌ی پروردگار از خاندان رسالت جدا شده و زمان را در آتش حسرتش باقی می‌گذارد تا شاهدی باشد بر مدعیان محبتش.

وای بر ما که توان شناختش را در نام با برکتش نداریم. فرزندش را به مدد می‌خوانیم: مولای ما، مادر گرامی‌تان طبق فرموده‌ی پدر گرامی‌شان اُم ابیها بودند، مادر پیامبران از اولین تا آخرین؛ پس ما را در این حزن و اندوه بزرگ یاری کنید. دست ضعیفمان

منتظر دست جانشین بر حق پیامبر (ص) است. در این تاریکی که فرقی با جاهلیت ندارد یاری‌مان کنید که به کنار باطل نرویم و همواره نام با جلال‌تتان را برای نجات از اوهمات جاہمان به مدد بخوانیم. پس فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com